

جلسه سوم

فارسی

موصوف و صفت
و ...



« موصوف و صفت »

تعریف موصوف: اسمی است که توسط صفت توصیف

می شود.

نکته: موصوف در لغت به معنی وصف شده است.

تعریف صفت: کلمه ای که حالت، مقدار و یا یکی از ویژگی

های اسم را بیان می کند یا توضیحی درباره ی آن می دهد.

مانند: گل زیبا
موصوف صفت

در این جا زیبایی به گل نسبت داده شده است.



نکته: به ترکیبی که از اسم با صفت ساخته می شود ،

ترکیب وصفی می گویند.

ترکیب
وصفی

مانند: دشت + سرسبز ← دشت سرسبز ←

نکاتی در باره ی موصوف و صفت:

۱- در زبان فارسی موصوف چه مفرد و چه جمع باشد، صفت آن همیشه به صورت مفرد می آید.

مانند:

<u>دلاور</u>	<u>مردان</u>	<u>دلاور</u>	<u>مرد</u>
صفت(مفرد)	موصوف(جمع)	صفت(مفرد)	موصوف(مفرد)

۲- تمام رنگ ها صفت هستند و آن هم از نوع

صفت بیانی پسین. **مانند:** آسمان آبی
موصوف صفت

۳- اگر اسم به (ه) ختم شود، هنگام ساختن موصوف و

صفت به جای کسره از (ی) استفاده می کنیم.

مانند: کوچه ← کوچه ی باریک
اسم موصوف صفت

۴- اگر اسم به (الف) ختم شود، هنگام ساختن موصوف و

صفت به جای کسره از (ی) استفاده می کنیم.

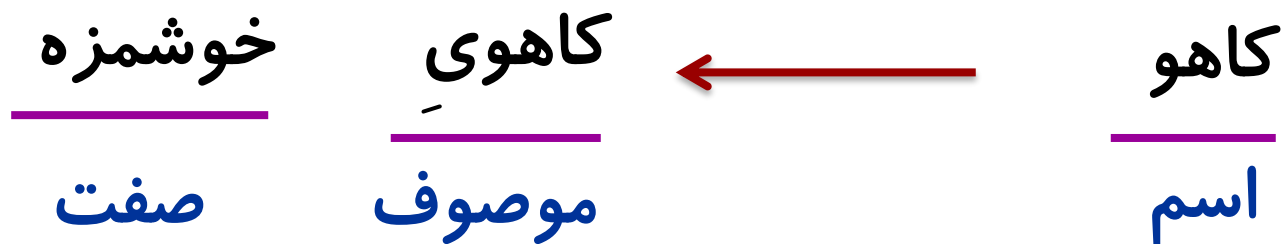
مانند :



۵- اگر اسم به (و) ختم شود، هنگام ساختن موصوف و صفت

به جای کسره از (ی) استفاده می کنیم.

مانند :



۶- اگر بخواهیم زیاد بودن صفتی را در چیزی نسبت به چیز دیگر نشان دهیم، پسوند (تر) به آخر صفت اضافه می کنیم. به این نوع صفت ها ، صفت تفضیلی (صفت برتر) می گویند.

مانند :

مینا از مهین زرنگ تر است.

صفت تفضیلی

۷- اگر بخواهیم زیاد بودن صفتی را در چیزی نسبت به چیزهای دیگر نشان دهیم، پسوند (ترین) به آخر صفت اضافه می کنیم. به این نوع صفت ها ، صفت های عالی (صفت برترین) می گویند.

مانند :

ببر جزو درنده ترین حیوانات است.
صفت عالی (صفت برترین)

۸- گاهی ممکن است صفت قبل از اسم واقع شود، در این صورت به آخر اسم یا صفت، کسره اضافه نمی شود، به این حالت، **صفت مقلوب** می گویند.

مانند: مردِ نیک ← نیک مرد

مادرِ مهربان ← مهربان مادر

« مضاف و مضاف الیه »

تعریف مضاف الیه: به اسم یا کلمه ای که به دنبال اسم دیگری بیاید تا توضیحی درباره ی آن دهد یا معنی آن را کامل کند، مضاف الیه می گویند.

نکته: به کلمه ی قبل از مضاف الیه، مضاف می گویند.

مانند: کتاب علی
مضاف مضاف الیه

نکته: به ترکیب مضاف و مضاف الیه، ترکیب اضافی می گویند.

مانند:

<u>سرایدار</u>	<u>باغ</u>
مضاف	مضاف الیه

نکته: مضاف الیه، ضمیر نیز می تواند باشد.

مانند:

<u>کلاس</u>	<u>ما</u>
مضاف	مضاف الیه

نکته: هر گاه اسمی هم صفت و هم مضاف الیه بگیرد، ابتدا صفت را به دنبال اسم می آوریم، سپس مضاف الیه را بعد از آن ها می نویسیم.

مانند:

<u>او</u>	<u>کوچولوی</u>	<u>گر به ی</u>
مضاف الیه	صفت	اسم
<u>مدرسه</u>	<u>گرم</u>	<u>کلاس</u>
مضاف الیه	صفت	اسم

نکته: بعضی مواقع جای مضاف و مضاف الیه عوض می شود.

در این صورت کسره حذف و اسم غیر ساده حاصل

می شود. به این حالت، اضافه ی مقلوب می گویند.

مانند:

انبار آب ← آب انبار ← (اضافه ی مقلوب)
مضاف مضاف الیه مضاف الیه مضاف

روش های تشخیص موصوف و صفت از مضاف و مضاف الیه:

۱- صفت جدا از موصوف در عالم بیرون وجود ندارد، ولی مضاف الیه مستقل از مضاف وجود خارجی دارد.

مانند:

گل زیبا: در این جا (زیبا) جدا از گل وجود خارجی ندارد.

دانشگاه آزاد: در این جا (دانشگاه) و (آزاد) دو موجود مستقل و جدا از هم هستند.

۲- دو کلمه ی (این) و (است) را به اول و آخر ترکیب اضافه می کنیم، سپس کسره ی بین دو کلمه را حذف می کنیم، اگر عبارت معنی بدهد، ترکیب وصفی (موصوف و صفت) است و اگر عبارت معنی ندهد، ترکیب اضافی (مضاف و مضاف الیه) است .
مانند:

نگهبان اداره ← (این) نگهبان اداره (است)

عبارت معنی نمی دهد (مضاف و مضاف الیه)

نگهبان زحمت کش ← (این) نگهبان زحمت کش (است)

عبارت معنی می دهد (موصوف و صفت)

۳- در ترکیب اضافی هر دو کلمه اسم و یا یک اسم و

کلمه ی دیگر ضمیر است.

اما در ترکیب وصفی یک کلمه اسم و کلمه ی دیگر صفت

است.

مانند:

کفشِ راحت ← (موصوف و صفت) ← ترکیب وصفی
موصوفِ صفت

درِ اتاق ← (مضاف و مضاف الیه) ← ترکیب اضافی
مضافِ مضاف الیه

ورقه‌هایِ آن‌ها ← (مضاف و مضاف الیه) ← ترکیب اضافی
مضافِ مضاف الیه

۴- در این روش کسره ی بین دو کلمه را حذف می کنیم. سپس بعداز کلمه ی اول ویرگول می گذاریم و در آخرِ فعل (است) را قرار می دهیم. اگر عبارت معنی دهد، ترکیب وصفی و اگر معنی ندهد، ترکیب اضافی است.

مانند:

بادِ تند ← باد، تند است ← معنی دارد (ترکیب وصفی)

بشقابِ امیر ← بشقاب، امیر است ← معنی ندارد (ترکیب اضافی)

۵- در این روش به آخر کلمه ی دوم (تر) یا (ترین) اضافه می کنیم، سپس کسره ی بین دو کلمه را حذف کرده و در آخر فعل (است) را اضافه می کنیم. اگر عبارت معنی دهد، ترکیب وصفی و اگر معنی ندهد، ترکیب اضافی است.

مانند:

کمدِ لباس ← کمدِ لباس تر است ← معنی ندارد (ترکیب اضافی)

کمدِ کوچک ← کمد، کوچک تر است ← معنی دارد

(ترکیب وصفی)

۶- موصوف اسمی است که قبل از صفت می آید و معمولاً (ی)

به خود می گیرد. مثلاً در ترکیب دستِ زیبا ، می توانیم بگوییم

(دستی زیبا) ، اما به مضاف نمی توانیم (ی) اضافه کنیم.

مثلاً: در ترکیب کتابِ محسن، نمی توانیم بگوییم، کتابی محسن

۱- در کدام گزینه همه ی ترکیب ها از نوع صفت و موصوف



می باشند؟

- ۱) نگاه مردم ، خنده ی شیرین و رودخانه ی جاری
- ۲) سرود ملی ، خبرهای تازه و اختراعات دانشمندان
- ۳) سرود پاکی ، کبوتر نغمه خوان و محیط زیست
- ۴) حادثه ی خوشایند، پدر زیرک و گذشته ی افتخار آمیز

۲- با توجه به بیت زیر نقش دو کلمه ی «او» و «ابر» چیست؟

« پیش پا او به رسم پیشواز / ابر با رنگین کمان پل می زند »



۱) مضاف - فاعل

۲) مضاف الیه - فاعل

۳) مضاف - مفعول

۴) مضاف الیه - مفعول

۳- در کدام گزینه مضاف و مضاف الیه آمده است؟



(۱) نقاش بزرگ

(۲) پرنده ی خاکستری

(۳) سازمان ملل

(۴) پزشک ماهر

۴- کدام دسته از واژه های زیر به ترتیب « صفت، فعل

لازم (ناگذر)، اسم و فعل متعدی(گذرا) « هستند؟

۱) انبوه ، گریست ، بهار و افشانند

۲) انبوه ، افشانند ، سرد و گریست

۳) کتاب ، گریست ، انبوه و افشانند

۴) کتاب ، دوید ، سرد و گریست

۵- در کدام گزینه ترکیب ها به ترتیب یکی در میان اضافی و وصفی می باشند؟

(۱) نمایشگاه کتاب ، سرزمین یخ زده ، لانه ی مورچه ها و دانشمند برجسته

(۲) پیام جدّی ، نقش خاک ، سرود ایمان و خطوط کتاب

(۳) افکار پسندیده ، جلوه ی ویژه ، شعر روح بخش و صفحه ی زندگی

(۴) گنج بی رنگ ، روی جهان ، شناخت مردم و چشمان باز

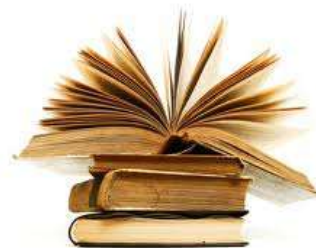
اسم

کلمه ای است که برای نامیدن شخص یا حیوان و یا چیزی

به کار می رود.



مانند: احمد – خانه – طبل – کتاب و



مفرد و جمع

اگر اسم بر یک فرد یا یک چیز دلالت کند؛ آن را مفرد و

اگر اسم بر بیش از یکی دلالت کند، آن را جمع می گویند.

مانند: درخت (مفرد)، درختان (جمع)، گل (مفرد)،

گل ها (جمع).



درختان (جمع)



درخت (مفرد)



گل ها (جمع)



گل (مفرد)

نشانه های جمع در فارسی

علامت یا نشانه های جمع در زبان فارسی « ها » و « ان » می باشد.
که به کلمه ی مفرد اضافه می شود.

مانند: کتاب ها – کودکان

نکته: برای جمع بستن تمام کلمه ها می توان از « ها » استفاده کرد.

مانند: کار + ها ← کارها

آدم + ها ← آدم ها

نکته:

اگر در آخر اسمی « ه » بیاید. هنگام جمع بستن با « ان »
حرف « ه » را برداشته و به جای آن حرف میانجی « گ » را
می گذاریم.

مانند: پرنده + ان ← پرندگان

نویسنده + ان ← نویسندگان

نکته:

توجه کنید هر « الف » و « نون » که در آخر کلمه بیاید، نشانه ی جمع نمی باشد. گاهی « ان » بر مفهوم زمان و گاهی بر مفهوم مکان دلالت می کند.

مانند: بهاران (هنگام بهار) ، سحرگاهان (هنگام سحر)

گیلان (محل سکونت مردم گیلانی) ، بامدادان (هنگام بامداد)

نکته:

برای جمع بستن بعضی از کلمه هایی که از زبان عربی وارد زبان فارسی شده اند، از « ات » استفاده می کنیم.

مانند: خطر + ات ← خطرات

تغییر + ات ← تغییرات

جمع مکسر:

بعضی از کلمه ها در زمان جمع بستن هیچ علامت مشخصه ای ندارند. بلکه در شکل مفرد آن ها تغییراتی ایجاد می شود. البته این نوع جمع بستن مخصوص زبان عربی است و هیچ ربطی به زبان فارسی ندارد. به تعدادی از جمع های مکسر که در زبان فارسی رایج هستند توجه کنید .

مانند: ادب ← آداب – قانون ← قوانین –

حاکم ← حکما و.....

تمرینات:

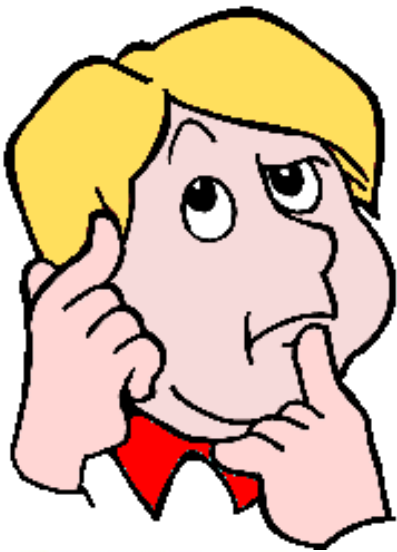
۱- در کدام گزینه نشانه ی جمع فارسی « ان » وجود ندارد؟

(۱) تنها دل من هست گرفتار در غمان

(۲) از دوستان جانی مشکل توان بریدن

(۳) بامدادان که ز خلوتگه کاخ ابداع

(۴) بحر آفرید و بَر و درختان و آدمی



۲- کدام گزینه درست نیست؟



۱) مصائب: جمع مصیبت

۲) اولیا: جمع اوّلی

۳) اوامر: جمع امر

۴) سوانح : جمع سانحه

۳- در کدام گزینه ی زیر، ساخت هر سه واژه با هم متفاوت

است؟

(۱) کارگاه ، فرودگاه و آگاه

(۲) گلدان، خندان و دندان

(۳) درمان، سازمان و پیمان

(۴) خواستگار، پرگار و ماندگار

۴- کدام دسته از کلمه های زیر **مفرد** هستند؟



۱) دوستان، جوانان و دشمنان

۲) مشرکان، فداکاران و آزادگان

۳) داستان، باران و درمان

۴) تهران، شهیدان و ایثارگران

۵- کدام کلمه را می توان با «ان» جمع بست؟

(۱) میز

(۲) باور

(۳) دانا

(۴) شتاب